



چند تن از دوستان عزیز فایل یک مناظره در مورد وجود یا عدم وجود خدا را مابین سازنده ی کلیپهایی به نام زنوس و شخصی دیگر در مخالفت با این کلیپها را برای من فرستاده و نظر مرا خواسته اند . فقط جهت احترام به این دوستان نیمی از این فایل طولانی دو ساعته را کامل و گوشه هایی از یک ساعت بقیه را شنیدم . اما نظرم در مورد همینها که شنیدم این است که مناظره ای بسیار ضعیف بود که هم طرفین بحث تجربه ای در بحث و گفتگو نداشتند و هم مجریانش تجربه و تسلطی بر مدیریت یک مناظره . وبه نظر شخصی من اشکال اینگونه مناظره های سطحی و بی نتیجه و بد دفاع کردن یکی یا هر دو طرف یک مناظره از نظراتی که دارند و ممکن است درست هم باشند ، این است که ، افراد طرفدار علم به این توهم دچار میشوند که میتوانند در مورد یک مسئله ی فلسفی وارد استدلالهای علمی با طرفداران ایمانی خود شوند . و یا برعکس طرفداران یک فلسفه به این توهم دچار میشوند که با استدلال های فلسفی میتوانند در مقابل حقیقی بودن یک تجربه یا آزمایش دقیق علمی ایستادگی کنند . به دلایلی که در چند نوشته ی نسبتا مفصل بیان کرده ام (1) موضوع بودن یا نبودن خالق برای جهان یک موضوع علمی ، دست کم علمی که ما امروز میشناسیم ، نیست . حتی در سطح دانش کوانتوم . شکی نیست که اظهار نظر در مورد مسائل و پدیده های مادی مربوط به این جهان که توسط هر باور و دین و مذهبی بیان شده باشد ، حق مسلم علم خواهد بود. به عنوان مثال علم حق خواهد داشت در مورد خلقت ستارگان و سیارات و کهکشانها ، پیدایش حیات و ... نظرش را بیان کند و چنین مباحثی نیز مسلما ارزش شنیدن را خواهند داشت . که البته بحثی است جدا اما رایج که یکی از چالش های بزرگ بین طرفداران دیدگاههای علمی و فلسفی یا مذهبی نیز میباشد و منابع بسیاری نیز برای آگاهی از آنها وجود داشته و دارد که موضوع سخن ما نیستند . اما به دلایلی که بارها

گفته ام بحث در مورد وجود یا عدم وجود خالق به نام خدا برای این جهان و از آن غیر ممکن تر، بحث در مورد صفات و ویژگی ها و یا اهداف چنین خدایی از این خلقت ، مطلقا فاقد شرایط یک بحث علمی بوده و فقط باید در مباحث فلسفی بدان پرداخت و به میان آوردن مباحث علمی از فیزیک کوانتوم و خلاء کوانتومی ، نقض علیت ، قبل از مهبانگ ، و . . . به عنوان شاهد و دلیل ، بدون توجه به مفاهیمی که در فیزیک از آنها وجود دارد ، که درک این مفاهیم نیز تنها از عهده ی متخصصان این رشته و آن هم به زبان ریاضی ساخته است ، تنها موجب ایجاد توهماتی نادرست از علم در ذهنها یی میشود که ممکن است آشنایی خوبی هم با این مفاهیم علمی نداشته باشند . بنابراین جمله ی زمان 1:13:10 این فایل که ایشان با قاطعیت وجود خدا را نفی کردند ، اگرچه در بحثی فلسفی میتواند بیان شود ، اما به نظر من و با شناختی که من از علم دارم ، صحبتی علمی آن هم با این درجه از قاطعیت نمیباشد . شخصا زیباترین وجه علم را بیان واژه ی " میدانم " میدانم ، تا بیان توجیحات فلسفی اهل علم برای نتایجی که مایلند روزی علم هم بدانها برسد . که ممکن است برسد و یا نرسد . و یا در آن سو توجیحات علمی برای موضوعات فلسفی و توسط اهل فلسفه ، که علم ممکن است روزی به دلایلی که بارها در مورد آن صحبت کرده ام و از مشخصات مثبت علم است ، در نظراتش در مورد آنها تغییر ایجاد کند . بارها نوشته ام و در صفحه ی اول وبسایتم هم قرار داده ام که :

دانشمندانی که در گفتار خود به موارد ایمانی اشاره میکنند و یا مومنانی که در بیان باورهای خود به مستندات علمی اشاره میکنند ، هر دو علم یا ایمان خود را به خطر انداخته اند . این دو جهان کاملا از نظر ساختاری با یکدیگر تفاوت دارند . حتی اگر در یک موضوع مشخص به یک نتیجه واحد نیز برسند

علم میتواند بیان کند که چیزی به نام ماده یا انرژی تاریک در جهان وجود دارد که نمیداند ماهیتش چیست و یا کجاست ، و این یک جمله ی غیر علمی هم نیست . زیرا

آزمایش و اندازه گیری بر مبنای قوانین فیزیکی کشف شده تا کنون و یا محاسبات ریاضی وجود و تاثیر این ماده یا انرژی ناشناخته را به علم نشان میدهد ، اما تا رسیدن به فناوریهای لازم برای کشف ماهیت آنها باید منتظر ماند . اما علم نمیتواند و نباید در مورد چیزی که نه آزمایش و نه محاسبات چیزی در مورد آن نشان نمیدهد ، اظهار نظر کند . درست مانند اینکه من از شما بخواهم نظر علمی تان را در مورد چیزی که خودم هم نمیدانم چیست و کجاست و چرا ، ولی دوست دارم باشد و حس میکنم هست به من بگوید؟! حتی اگر بنا بر استدلال های فلسفی فرض را بر درست بودن احساس خود هم بگذاریم ، باز علم حق خواهد داشت مطابق چارچوب و قوانین خود رفتار و اظهار نظر کند .

اما پذیرش اصل علیت که ذهن انسان دست کم فعلا قادر به نادیده گرفتن آن نمیشود ، استدلال میکند که هر معلولی باید علتی داشته باشد زیرا از یک طرف تا کنون بدون یک علت ، چیزی مشاهده نکرده است . و از طرف دیگر هم برای هر چه که روزگاری علتش را نمیدانسته یا تصویری نادرست از آن داشته است ، امروزه دلیل مشخص و قابل توضیحی یافته است ، بنابراین اصل علیت جزو ساختار ذهنی انسان شده است که بدون آن ذهن انسان دچار آشفتگی شدیدی شده و چه بسا از کار بیفتد و همانطور که در این مناظره هم به درستی بدان اشاره شد ، پیشرفتهای علمی بشر هم به دلیل همین رخ داده و میدهد که انسان در جستجوی علل پدیده ها بوده و هست . بنابراین مطابق اصل علیت ، علتی باید عامل خلقت این جهان شده باشد که آن را خدا مینامد ، حال این جهان را با مهبانگ خلق کرده یا هر روش دیگری ، بحثی است جدا ، (2) پس بر این مبنا ذهن انسانی ما که بدون اصل علیت گیج میشود و یا به قول امروزی ها هنگ میکند ، در گام اول خالق برای جهان ضروری میدانند . اما در گام دوم بر مبنای همین استدلال برای این خالق هم علت و خالق لازم میبیند و چون در ادامه ی این مسئله به تسلسلی گیج کننده تر و خطرناکتر و غیر قابل درک تر میرسد ، لذا با پذیرش خالق که خود خالق و علتی ندارد ، این تسلسل را میشکند و آرامش را به ذهنش بر میگردداند . این خالق در نزد گروهی از انسانها که معمولا پیروان برخی (2) از ادیان و مذاهب هستند خدا نامیده میشوند . اما گروهی که به هر علت اعتقادی به باورهای مذهبی و چنین خدایی که این مذاهب میگویند ندارند و معمولا به طبیعت گرایان معروف هستند هم دقیقا به همین دلیل و برای نجات از این تسلسل که پس خود این طبیعت از کجا آمده ؟ طبیعت را ازلی و ابدی و وجودش را بی نیاز از خالق دیگر میدانند و پرونده ی پرسش منجر به تسلسل را با همان استدلال خدا باوران ، اما این بار در مورد طبیعت ، مختومه کرده و میبندند . چرا

چون همانطور که بیان شد در غیر این صورت فیوز ذهن انسان از هر کدام از این دو گروه که باشد میسوزد! مگر آنکه بتواند با واژه‌ی "نمیدانم" قانع و آرام شود. که تجربه نشان داده است که اغلب انسانها از این واژه خوششان نمی‌آید و از آن استفاده نمیکنند! بنابراین تمامی مباحث مربوط به این خالق، خدا یا طبیعت، برای هر دو گروه، دیگر بحثی فلسفی و یا مذهبی تلقی خواهد شد که پاسخش را فلاسفه با استدلالهای ذهنی و یا برخی مذاهب (2) با ادعای بیان توسط خود این خالق و توسط واسطه‌هایی (پیام‌آوران) بیان میکنند.

اما از طرفی بر خلاف ذهن انسان، کامپیوترها یعنی موجوداتی که خود انسانها خلق کرده (3) و بر مبنای ریاضیات صرف و قواعد تا کنون کشف شده فیزیکی ساخته شده‌اند، درگیر اصل علیت و سوختن فیوز و نیز محدودیت امکانات و احتمالات نیستند، بنابراین اگر در آینده بر بشر مسلط نشده و او را به کناری نهند، دست کم شاید بتوانند در حل اینگونه چالش‌های فلسفی ذهن انسانها نیز موثر واقع شوند. و تا آن زمان به نظر شخصی من بهتر است علاقمندان به دنیای علم در پاسخ به بسیاری پرسشهای هنوز مجهول در دنیای علم و به جای درگیر شدن در فلسفه و مغالطات آن، به استفاده از واژه‌ی زیبای "نمیدانیم" اکتفا کنند و طرفداران فلسفه نیز به این واقعیت دنیای علم توجه کنند که علم تا کنون قدم به قدم بشر را از تصور بودن زمین بر سر شاخ گاو به نزدیک ده به توان منهای 30 یا 40 ام ثانیه‌ی خلقت جهان و یا همان مهبانگ یا بیگ بنگ برده است. (یعنی زمان بسیار بسیار کمی تا لحظه‌ی صفر خلقت) اما از قبل از آن هنوز هیچ چیز نمیداند. بنابراین هر گونه سخنی از قبل از این لحظه سخن علم نخواهد بود و تنها واژه‌ای که علم برای قبل از این زمان دارد واژه‌ی "نمیدانم" است. اما متأسفانه در بحث‌های بی‌فایده‌ای که این روزها زیاد مابین طرفداران علم و طرفداران فلسفه‌های مختلف یا برخی مذاهب میشود، به هیچیک از تعاریف دقیق علم از مفاهیمی بنیادی چون فضا، زمان، خلاء، نیرو، انرژی و... توجه نمیشود و هر کس مفاهیم این واژه‌ها و نیز دنباله‌ی داستان را به سلیقه‌ی خود توضیح و یا تفسیر میکند.

مظفر شریعتی

خرداد 1399

و با پوزش از اشکالات و اشتباهات تایپی ویرایشی احتمالی به دلیل کمبود وقت و عدم وجود فرصت باز خوانی و تصحیح و یا ویرایش .

1 -

			موضوع
<u>بحشی کوتاه در انتهای مجموعه ی نجوم به زیان ساده</u>	<u>دریافت از کانال تلگرام</u>	<u>دریافت از وبسایت</u>	<u>خدا از دیدگاه دانش امروز</u>
	<u>دریافت از کانال تلگرام</u>	<u>دریافت از وبسایت</u>	<u>تفاوتهای ساختاری حوزه ی علم و دین</u>
		<u>دریافت از وبسایت</u>	<u>توضحات و پرسش و پاسخی در پی نوشت ویدئوهای نجومی من و مسئله ی خالق جهان</u>
	<u>دریافت از کانال تلگرام</u>	<u>دریافت از وبسایت</u>	<u>رابطه ی فیزیک و متافیزیک</u>
		<u>دریافت از وبسایت</u>	<u>پرسش و پاسخ دیگری در مورد مسئله ی خدا و خلقت جهان</u>

2 - در نوشته ی رابطه ی فیزیک و متافیزیک توضیح دادم که مسئله ی خدا یا روح به شکلی که در ادیان سامی (یهودیت ، مسیحیت و اسلام) آمده در بسیاری ادیان دیگر مطرح نمیباشد .

[باز گشت به صفحه اصلی](#)

